مدیریت شهری
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015
۲۹-۴۸
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۲۳

رهیافتی انتقادی بر تبارشناسی جنسیت زدگی شهر در رویکردهای فمنیستی با تاکید بر ارتقاء جایگاه زنان

فریال سادات سیادتی*- کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران.

حمید ماجدی- دانشیار، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

امروزه مباحث مربوط به حضور اقشار اجتماعی در فضاهای شهری و برخورداری از تعاملات شهروندی که از ابعاد اساسی توسعه انسانی پایدار بشمار می رود، از مقولات مهم مدیریت شهری بوده که تاثیرات خود را در مداخلات معطوف به مساله در نظام برنامه-ریزی و جامعه شناسی شهری داشته است. از سویی دیگر، رویکردهای فمنیستی به شهر و جنسیت زدگی فضاهای شهر، نیازمند بررسی ابعاد و مولفه های مربوط به خود در حوزه نظری است که در این مقاله موردنظر قرار گرفته است. روش تحقیق مقاله توصیفی و تحلیلی است که از ابزار گردآوری مشتمل بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است. در پایان ضمن اشاره به انواع رویکردها، گرایشها، نظریه های فمنیستی شهر، به تحلیل و نقد آنها پرداخته شده و در راستای ارتقاء حضور زنان در فضاهای شهری و تحقق موانع موجود برای رفع این ابعاد جنسیت زدگی فضایی، راهکارها و پیشنهاداتی مورد اشاره قرار داده شده است.

واژگان کلیدی: جنسیت زدگی، فضای شهری، فمنیسم، زنان و مدیریت شهری.

Gender rejection of feminist critical approach to genealogy with emphasis on promoting the status of women

Abstract

Today, issues related to the presence of social strata in urban areas and the enjoyment of fundamental aspects of citizen interaction that is considered sustainable human development; The most important issues of urban management, the effect of interventions focused on the issue of urban planning and sociology have. On the other hand, the gender feminist approaches to the city and damaged areas of the city, need to examine the dimensions and characteristics of the area in question is no, in this article. The research is descriptive and analytical study of the collection consists of library studies and documents have been used. Finally, referring to a variety of approaches, trends, feminist theories of the city, has been analyzed and criticized. In order to promote the presence of women in urban areas and the realization of obstacles to overcome gender dimensions of space and freezing guidelines and recommendations have been discussed.

Key words: jender, rejection, urban space, feminism, women and urban management.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۳۳۵۹۴۹۵۰-۰۲۱، رایانامه: faryal.siadati@gmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

زنـان به عنـوان نیمـی از جمعیـت فعـال کشـور دارای نقـش روزافـزون و فزآینـده ای در فعالیت های اقتصادی، سیاسـی و اجتماعی هسـتند و نقـش تعیین کننده ای در بهبـود و ارتقای رشـد و توسـعه اقتصـادی ایفـا می کننـد. در جامعه اسـلامی حضـور زنـان و برخـورداری از حقـوق شـهروندی یکـی از حقـوق اجتماعـی اولیـه زنـان به شـمار می آیـد؛ به گونـه ای کـه آنـان بـا انتخاب شـغل مناسـب با ظرفیتهـای خـود، آزاد باشـند عـلاوه بـر بهره منـدی از مزایـای حاصـل از تـلاش خـود، در سـازندگی اجتمـاع نیـز سـهیم باشـند. حضورپذیری زنـان در فضاهای جمعی اثرات مثبت بسـیاری بـرای خانواده و اجتمـاع دارد؛ به طوری کـه ضمـن فراهـم نمـودن رضایـت روحـی و روانـی، افزایش رفاه و ارتقاء سـطح فرهنگی، موجب بهره منـدی جامعـه از تـوان و تخصـص زنـان نیز می شـود؛ امـا دسـتیابی بـه این مهـم نیازمنـد برنامه ریزی دقیق اسـت کـه به طـور یقین توجـه بـه آموزه هـای دینـی و بهره گیری از تعالیـم اسـلامی، می توانـد راه گشـای بسـیارخوبی جهـت موفقیت هرچه بیشـتر زنـان در عرصه فعالیت هـای اجتماعی و فضاهـای شـهری باشـد (ر. ک: آیـت الهـی، ۱۳۸۱). از سـویی دیگـر، فضاهـای شـهری امـروز تاحـدودی فضاهایی جنسـیت زده و مردسـالار هسـتند کـه امـکان حضور سـازنده زنـان در عرصه هـای جمعـی را کاهـش می دهنـد و بـه برخـی از چالشـهای مورد نظـر برخی رویکردهای فمنیسـتی دامـن می زننـد؛ چنانچـه آثار و نوشـته های متعـددی در باب «فمنیسـم» بـه نـگارش درآمده انـد. در زبـان فارسـی، علـی رغـم تألیفـات انـدک در ایـن موضـوع، ترجمه ده هـا کتاب و مقالـه، کـه توسـط فمنیسـتها یا درباره فمنیسـتها بـه نگارش درآمـده انـد، موجودند. نوشـته های نویسـندگان ایرانـی غالباً برگرفتـه از آثـاری ماننـد «انقیـاد زنـان»[۱]، «جنـس دوم» (سـیمون دوبـووار، بی تـا)، «پیـکار بـا تبعیـض جنسـی»[۲]، «درآمـدی بـر جامعـه شناسـی» (نگرش هـای فمنیسـتی)[۳]، و «ایدئولـوژی های سیاسـی»[۴] هسـتند. در ایـن مقاله، علاوه بـر اسـتفاده از آثـار مذکـور، تـا حد امکان سـعی شـده اسـت بـه منابعـی مراجعـه شـود کـه بـه دلیـل جدیـد بودنشـان، تا بـه امـروز در نوشـته های فارسـی مورد اسـتفاده قـرار نگرفته انـد؛ منابعـی کـه هـر یـک بـا برخـورداری از غنـای علمـی، بخشـهای متعدد این مقالـه را شـکل داده اند. همچنین مقوله جنسـیت زدگی در فضاهای شـهری و رویکردهای فمینیستی در حـوزه اندیشـه فضایـی مورد بحث قـرار گرفتـه و در پایان راهکارهایـی بـرای ارتقـاء جایگاه زنـان در فضاهای شـهری و شـهر و خاصـه مدیریـت شـهری مـورد اشـاره قـرار گرفته است.

مبانی و ادبیات نظری

ریشه شناسی (اتیمولوژی) فمنیسم

«فمنیسـم» (Feminism) در اصـل واژه‌ای فرانسـوی (Feminisme) اسـت کـه از ریشـه لاتینـی femina بـه معنـای زن (woman) اخـذ شـده اسـت. حالـت وصفی این واژه در زبـان انگلیسـی و در زبان فرانسـه Feminin اسـت کـه از کلمه لاتینـی femininus به معنـای «زنانه» گرفته شـده اسـت. در زبـان فارسـی، «طرفـداری از حقـوق زن»، «جنبـش آزادی زنـان»، «زن بـاوری»، «زن آزادخواهـی» و ماننـد آن معادلهایـی هسـتند کـه بـرای واژه «فمنیسـم» ارائـه شـده انـد. در اصطـلاح، اندیشـمندان تعریـف و معنـای واحـدی از فمنیسـم ارائـه نـداده. برخـی از آنهـا معتقدنـد: به دلیـل آن که فمنیسـم جنبش واحدی نیسـت، امـکان تعریف واحـد از ایـن مکتب وجود نـدارد. آنان معتقدنـد: «اگرچه تمام فمنیسـتها در این باره که زنان فرودسـتند و بـرای آزادی آنان بایـد راهکارهایـی اتخـاذ کـرد، هم عقیده اند، اما دربـاره علل سـتم دیدگی زنـان و راهکارهای رسـیدن بـه آزادی، بین آنان اختـلاف نظرهـای اساسـی وجـود دارد» (پامـلا ابـوت و کلر

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: جان استوارت میل، انقیاد زنان، ترجمه علاءالدین طباطبائی، تهران، هرمس، ۹۷۳۱. (این کتاب پیش از این، تحت عنوان کنیزک کردن زنان توسط آقای خسروریگی نیز ترجمه شده است.)

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: آندره میشل، پیکار با تبعیض جنسی، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نگاه، ۶۷۳۱.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: پاملا ابوت و کلر والاس، درآمدی بر جامعه شناسی (نگرش های فمنیستی)، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران، دنیای مادر، ۶۷۳۱. (این کتاب در سال ۰۸۳۱ تحت عنوان جامعه شناسی زنان با ترجمه خانم منیژه نجم عراقی، توسط انتشارات نی و با افزودن ترجمه سه بخشی که در کتاب قبلی نیامده بود، منتشر شد.)

۴. برای مطالعه بیشتر ر.ک: یان مکنزی و دیگران، ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه م. قائد، نشر مرکز، ۵۷۳۱، مقاله «فمنیسم»، نوشته ویک ویلفورد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

والاس، ۱۳۷۶، ص ۱۵).

واژه «فمنیسم» از نوآوری های قرن بیستم در دهه ۱۹۶۰ بوده که با دو اعتقاد اساسی در ارتباط است[۱]:

۱. اول آن که زنان به دلیل جنسیتشان دچار محرومیت هستند، و

۲. دوم این که این محرومیت باید از میان برود (اندرو هی وود، ۱۳۷۹، ص ۴۰۹).

در دیدگاه دیگر، فمنیست کسی است که معتقد باشد زنان به دلیل جنسیت، گرفتار تبعیض هستند. زنان نیازهای مشخصی دارند که نادیده و ارضا نشده باقی مانده اند و لازمه ارضای این نیازها، تغییر اساسی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (یان مکنزی و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۳۴۶). با مراجعه به فرهنگ های معتبر انگلیسی، می توان دو مفهوم اساسی و مهم از فمنیسم برداشت کرد:[۲]

۱.فمنیسم آموزه ای است که از حقوق مساوی برابر زنان با مردان در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دفاع می کند.

۲.فمنیسم جنبش سازمان یافته ای است که برای به دست آوردن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان شکل گرفته است.

فمنیست‌ها معرفت‌شناسی خود را در دو رکن خلاصه کرده‌اند:

۱.یکی انتقاد از اصالت فرد و دیگری نقش و جایگاه معرفت. تمام تلاش فمینیست‌ها معطوف به این است که اولاً معرفت زنانه با معرفت مردانه متفاوت است،

۲.ثانیاً معرفت زنانه امتیاز و ویژگی خاصی به معرفت مردانه دارد. بنابراین ادعای اول آنها در باب معرفت‌شناسی این است که معرفت با جنسیت متفاوت است.

پیشینه شناسی فمنیسم

فمنیسم یا اندیشه فمنیستی از چه زمانی آغاز شده است؟ اندرو وینسنت معتقد است: چهار دیدگاه مهم در باب خاستگاه اندیشه فمنیستی وجود دارند[۳]:

۱.تاریخ فمنیسم به سپیده دم آگاهی بشر برمی گردد. «سوزان گریفین» در کتاب «زنان و طبیعت» و «آندره میشل» در کتاب «فمنیسم»، به نوعی به این دیدگاه گرایش دارند. آنان سعی می کنند فمنیسم را از زمان ماقبل تاریخ مورد مطالعه قرار دهند.

۲.تاریخ فمنیسم به آغاز قرن پانزدهم میلادی برمی گردد. این نوع نگاه متأثر از کتاب «شهر بانوان» (۱۴۰۵)، نوشته «کریستینا دوپیزان» است.

۳.تاریخ فمنیسم به قرن هفدهم تعلّق دارد. «آفرابن» (۱۶۸۰ـ ۱۶۴۰) تأثیر بسزایی در شکل گیری این نوع نگاه داشته است.

۴. تاریخ فمنیسم به اواخر قرن هجدهم پس از انقلاب فرانسه برمی گردد. مشهورترین دیدگاه همین دیدگاه چهارم است؛ دیدگاهی که «وینسنت» معتقد است احتمالا جزو صحیح ترین نظرها باشد. خانم «مری ولستون کرافت» با نوشتن کتاب «حقانیت حقوق زن» (۱۷۹۲) شاخص ترین فردی است که توانسته است در این دوران فمنیسم را مطرح نماید (اندرو وینسنت، ۱۳۷۸، ص ۲۴۸ تا ص ۲۵۱).

پس از انقلاب فرانسه، فمنیسم دارای سه موج مهم بوده است؛ امواجی که با اعتدال و حالت میانه آغاز و پس از رسیدن به اوج افراط، امروزه با رویکرد تعدیلی به اهداف خویش ادامه می دهند:

۱.**موج اول:** موج اول در سال ۱۸۳۰ شروع شد. «مری ولستون کرافت» با نوشتن کتاب «حقانیت حقوق زن» (۱۷۹۲) تأثیر اصلی را بر این موج گذاشت. پس از وی، «جان استوارت میل» با همکاری همسر اولش، هری تیلور، کتاب «انقیاد زنان» (۱۸۶۹) را نوشت که تأثیر مهم بعدی را بر این موج گذاشت. نگارش این کتاب در حالی صورت گرفت که زنان در دوره ویکتوریا، در اوج سرکوب به سر می بردند. می توان گفت: اساساً اندیشه

۱.برای مطالعه بیشتر ر.ک: اندرو هی وود، درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه محمدرفیعی مهرآبادی، تهران، وزارت امورخارجه، ۱۳۷۹، ص ۴۰۹.

Random House, Webster's Dictionary, 1999; Microsoft Bookshelf 0002; Merriam Webster's Collegiate Dictionary 399; The American Heritage Dictionary, 7991

۱.برای مطالعه بیشتر ر.ک: اندرو وینسنت، ایدئولوژی های مدرن سیاسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۸ص ۲۴۸ تا ص ۲۵۱.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

حقـوق لیبـرال سـنتی، زمینـه اصلی بـروز این موج به شـمار می رود؛ دیدگاهی که برخاسـته از اندیشـه «جـان لاک» بود. گسـترش حقوق مدنی و سیاسـی، بـه ویژه اعطـای حق رأی بـه زنـان، خواسـته و هـدف اصلـی ایـن مـوج بـود. البتـه در کنـار هـدف اصلی، اهـداف فرعی نیز وجـود داشـتند. ازجمله ایـن اهـداف می تـوان به دسـت یابی زنـان بـه کار، آموزش، بهبـود موقعیـت زنان متأهّـل در قوانیـن، حق برابر بـا مردان بـرای طـلاق و متارکـه قانونـی و مسـائل پیرامـون ویژگـی هـای جنسـی اشـاره کرد (پاملا ابـوت و کلر والاس، پیشـین، ص۲۰۹).

۲. **مـوج دوم:** مـوج دوم فمنیسـم از دهـه ۱۹۶۰ آغـاز مـی شـود. «سـیمون دوبـووار» بـا نوشـتن کتـاب «جنـس دوم» (۱۹۴۹) و «بتـی فریـدن» بـا نـگارش کتـاب «زن فریـب خـورده»، (۱۹۶۳) تأثیـر اصلـی را در برانگیختـن ایـن مـوج داشـتند. از دیگـر متفکـران مهـم در ایـن مـوج، مـی تـوان بـه «کیت میلـت»، نویسـنده «سیاسـت جنسـی» (۱۹۷۰) و «جرمایـن گریـر»، نویسـنده «خواجـه زن» (۱۹۷۰) اشـاره کـرد. مـوج اول تا حدّی توانسـت وضعیت زنـان را در رابطه با برخی از مسـائل بهبود بخشـد. گسـترش آمـوزش و پرورش، شایسـتگی زنـان برای ورود به مشـاغل متعدد، قانونی شـدن سـقط جنیـن، پرداخت دسـت مزد برابـر به زنـان، برخورداری از حقـوق مدنـی برابـر و گسـترش امکانـات تجدیـد موالید از جملـه نتایـج مهم تـلاش ها در مـوج اول بودنـد. موفقیت در ایـن زمینـه هـا موجب شـد برخـی از فمنیسـت ها بـه دنبال برداشـتن گام های بعدی باشـند (اندرو وینسـنت، ۱۳۷۸، ص ۲۵۱).

۳. **مـوج سـوم:** مـوج سـوم فمنیسـم از اوایل دهـه ۱۹۹۰ آغاز می شـود. فمنیسـم، کـه در دهه هـای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در اوج خـود به سـر می بـرد، در اواخر قرن بیسـتم با مشـکلات زیـادی مواجـه شـد و در نتیجه، در سـرازیری انحطـاط افتاد. شـکافها و دسـته بندی های آشـکاری در درون جنبـش زنـان بـه وجـود آمدنـد. دولـت هـای تاچـر و ریـگان در دهه ۱۹۸۰، آشـکارا بـا ایـن نهضـت سـتیز کـرده، خواسـتار اعاده از دسـت رفته «ارزشـهای خانوادگـی» شـدند. فمنیسـت هـا، کـه به بسـیاری از اهداف اصلی شـان دسـت یافتـه بودند، آن قـدر بـه سـمت افراط پیش رفتنـد که حتی نهضت مـردان در حال شـکل گیری بود. این مسـائل باعث شـدند فمنیسـم در اوایـل دهـه ۱۹۹۰ یـک فراینـد اعتـدال را تجربه کنـد. جناح مبارز و انقلابی آن کنار گذاشـته شـد و به سـتایش و اهمیت بـه دنیـا آوردن فرزنـد و نقش مـادری پرداخته انـد (اندرو هی وود، پیشـین، ص ۴۴).

گرایش های فمنیستی و جامعه شناسی شهر

۱.«**گرایـش لیبرالـی**»: «برابـری» و «رفـع تبعیـض جنسـی» مهم تریـن محـور مطالعـات فمنیسـم لیبـرال بوده اسـت. لیبرال هـا، به مقتضای فردگرایـی معتقدند که تمایزی میـان زن و مـرد وجـود نداشـته و جنسـیت زنـان هیـچ گونه ارتباطـی بـا برخـورداری یـا عدم برخـورداری از حقـوق مدنی نـدارد. زنـان از قابلیت قدرت تعقـل کامل برخوردار بـوده و از ایـن رو، اسـتحقاق برخـورداری از تمـام حقوق انسـانی را دارا هسـتند (پامـلا ابـوت و کلـر والاس، ۱۳۷۶، ص ۲۴۶).

۲. «**گرایـش مارکسیسـتی**»: محـور عمـده مطالعـات فمنیسـم مارکسیسـتی در زمینه «برابری» و «حذف سـرمایه داری» اسـت. بـه نظـر ایـن دسـته از فمنیسـت ها، سـرمایه داری مشـکل عمـده نابرابـری میـان زنـان و مـردان اسـت. سـرمایه داری اساسـاً باعـث دو سـتم بـر زنـان شـده اسـت: اول آن کـه زنـان را از کارمـزدی بـاز داشـته و سـپس نقـش آنـان را در حـوزه خانگی تعیین کرده اسـت. به عبـارت دیگر، کار بـی مـزد زنـان در مراقبت از نیـروی کار و پرورش نسـل بعـدی کارگـران، بـه سـرمایه داری سـود مـی رسـاند و برای بقـای آن ضـرورت دارد (پامـلا ابـوت و کلر والاس، پیشـین، صـص ۲۴۸-۲۴۹).

۳. «**گرایـش رادیکالـی**»: «نجـات زنـان» و «حـذف مردسـالاری» محـور اصلی مطالعات و مطالبات این دسـته از فمنیسـت ها هسـتند. این گرایش در مطالعات فمنیسـتی آن قـدر حایز اهمیت اسـت که حتـی برخی از محققـان معتقدند: جنبـش اصلـی فمنیسـم در واقـع همیـن گرایـش رادیکالـی اسـت. بـر اسـاس این نگرش، بـه دلیل آن که هیـچ حوزه ای از جامعـه از تبییـن مردانـه برکنـار نیسـت، نابرابـری هـای جنسـیتی ناشـی از نظـام مسـتقل مردسـالاری اسـت (انـدرو وینسـنت، پیشـین، ص ۲۸۶).

۴.«**گرایش سوسیالیستی**»: حذف نظام «سـرمایه داری» و «مردسـالاری» محـور مطالعـه فمنیسـتها در ایـن نگـرش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

هستند. فمنیستهای سوسیال معتقدند: برای فهم مشکلات زنان و رهایی از آنها باید هر دو نظام سرمایه‌داری و مردسالاری را به طور همزمان مورد مطالعه و ارزیابی قرارداد، که از این نظر این یک نگرشی «دوگانه گرا» است.

۵. «**گرایش پسانوگرا**»: این گرایش نیز «حذف مردسالاری» را محور عمده مطالعات خویش قرار داده است. پسانوگراها به دلیل آن که با ارائه هرگونه تفسیر واحد و جهان شمول از جهان مخالفت می کنند، در باب مسائل زنان نیز معتقدند: همه نگرش های فمنیستی چون در جهت ارائه تفسیری واحد و جهان شمول از زنان برآمدند، دچار مشکل هستند. به نظر این دسته از فمنیستها، اساساً ارائه تفسیری واحد و کلی در باب واقعیت، حقیقت، معرفت اخلاق و سیاست، در واقع تداوم فرهنگ مردسالارانه است، در حالی که در مقابل این گونه تفسیرها، چندگانگی و کثرت امری مطلوب و ضروری به نظر می رسد.

۶. «**گرایش اسلامی**»: فمینیسم اسلامی اصطلاحی است که در چند سال اخیر، به ادبیات دفاع از حقوق زنان راه یافته و در برخی کشورهای اسلامی بخشی از زنان را به خود جذب نموده است. از اواخر قرن ۱۹ میلادی، اندیشه‌های زن‌گرایانه غربی توسط آثار مکتوب نویسندگان مسلمانِ آشنا به غرب، به کشورهای اسلامی راه یافت. شاید کشور مصر اولین کشور اسلامی باشد که اندیشه‌های فمینیستی به آن راه یافته باشد. از مهم‌ترین آثار زن‌پژوهی این دوره می‌توان به کتاب «المرأة والمرأة الجدیدة»، نوشته قاسم امین، اشاره کرد. وی سعی نمود بر اساس دیدگاه تجددگرایانه، به تفسیر و تأویل آموزه‌های دینی بپردازد؛کاری که امروزه بسیاری از فمینیست‌های اسلامی به آن مشغولند؛ یعنی بخش مهمی از تلاش خود را صرف مبارزه درون دینی برای حاکمیت نگاه زن‌گرایانه می‌کند. در ایران، اندیشه دفاع از حقوق زنان همزمان با مشروطه مطرح شد. در ابتدا، نویسندگان ضرورت بهداشت زنان را به عنوان اولویت و حقوق زنان را در رتبه بعدی مطرح کردند. پدیده فمینیسم اسلامی که خود را دارای مبانی تئوریک خاصی می‌داند و بر اساس یک جهان‌بینی تعریف شده به تحلیل دین و آموزه‌های می‌پردازد، در ایران عمری کمتر از دو دهه دارد و به دو دلیل قوت گرفت:

۱. بافت دینی و مذهبی جامعه که نگرشی خاص درباره زن دارد؛

۲. نظام حکومت دینی که به مقتضای آن حقوق اسلامی مانند حقوق جزایی، مدنی و سیاسی اعمال می‌گردد؛ که اجرای این قوانین در نظام اجتماعی چالش‌هایی را بین نگرش سنتی و نوین درباره مسائل زنان به وجود آورده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، گروهی از ایرانیانِ مخالف نظام به غرب مهاجرت کردند. از میان آنان، عده‌ای سلطنت و عده‌ای مخالف حکومت دینی بودند. در دهه ۶۰، تعدادی از گروه‌های چپ و مارکسیست به آنان ملحق شدند. در ابتدا، بیش‌تر فعالیت آنها مقابله سیاسی با انقلاب اسلامی بود؛ اما به مرور و به تبع تحلیلگران غرب، به این نتیجه رسیدند که باید راه‌کارهای فرهنگیِ بلند مدت را برای مقابله برگزینند.

واژگان شناسی جنسیت و شهر

فمنیستها از دهه ۱۹۶۰ به بعد، مباحث متعددی را مورد بحث قرار دادند. در این میان، به نظر می رسد برخی از آن مباحث جلوه بیش‌تری نسبت به دیگر مباحث داشته است. بحث از جنسیت، مردسالاری، حوزه عمومی و خصوصی، خانواده و دین از جمله مباحثی هستند که تقریباً همه گرایش های فمنیستی، به ویژه گرایش افراطی، در باب آن مطالبی را بیان داشتند:

۱. «**جنسیت**»: جنسیت قوی‌ترین و مهم‌ترین تقسیم بندی اجتماعی است. از نظر فمنیستها، جنسیت همانند طبقه اجتماعی، نژاد و یا دین، یک طبقه بندی مهم اجتماعی است. همچنان که سوسیالیست ها در آموزه شان «سیاست طبقاتی» را به کار می برند، فمنیستها نظریه «سیاست جنسی» را ارائه می دهند. به نظر فمنیست ها «جنسیت گرایی» به عنوان شکلی از ظلم محسوب می گردد که مشابه «نژادپرستی» است[1] (اندرو هی وود،

۱.فمنیستها معتقدند: اساساً باید بین Sex و Gender (جنس و جنسیت) فرق گذاشت. «سکس» یا «جنس» فقط مربوط به جنبه های زیستی است در صورتی که «جندر» یا «جنسیت» چارچوب نقش زنان را از نظر اجتماعی مشخص می سازد. در چارچوب اجتماعی است که هر چیزی مربوط به زن یا مرد منهای اعضای جنسی آنان با تغییر و تعدیل محیط اجتماعی و فرهنگی، می تواند در زنان تغییرات و تحولات بسیاری ایجاد کند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

پیشین، ص۴۱۷).

۲.«**دین گرایی و خانواده**»: فمنیست ها نگاهی بدبینانه به دین و خانواده دارند. به نظر آن ها، دین ساخته و پرداخته مردان بوده است تا از طریق آن بتوانند زنان را تحت سلطه خویش قرار دهند. خانواده نیز موجب تحقیر و تبعیض زنان است. خانم مارتا ناسبام معتقد است: بی رحمانه ترین تبعیض ها نسبت به دختران از محیط خانواده شروع می شود. همچنین «سیمون دوبووار» می گوید: به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. جامعه باید بکلی تغییر کند و به زنان اجازه ندهد که فقط وظیفه پرورش فرزندان را بر عهده گیرند (رابرت اچ. بورک، پیشین، ص۴۶۶).

۳.«**حوزهٔ عمومی و خصوصی**»: تقسیم حوزهٔ عمومی و خصوصی یکی از عوامل مهم نابرابری جنسیتی در جامعه است. «جین بتکه الشتین» در کتاب «مرد عمومی، زن خصوصی» این مسأله را به طور مفصّل مورد بحث قرار داده است. به نظر وی معمولاً قلمرو عمومی زندگی که در برگیرندهٔ سیاست، کار، هنر و ادبیات است در انحصار مردان بوده است در حالی که زنان محدود به یک زندگی اساساً خصوصی شده اند که متمرکز بر خانواده و مسئولیتهای خانگی است. اگر سیاست فقط در درون قلمرو عمومی صورت میگیرد، پس نقش زنان و مسأله نابرابری جنسیتی، مسائلی کم اهمیّت به لحاظ سیاسی یا اساساً فاقد اهمیّت هستند. زنان نیز که محدود به ایفای نقش خصوصی خانم خانه دار و مادر شده اند، در واقع از سیاست محرومند. بنابراین فمنیستها کوشیدند تا تقسیم بندی «مرد عمومی» و «زن خصوصی» را درهم شکنند.

۴.«**دین و خانواده**»: فمنیستها نگاهی بدبینانه به دین و خانواده دارند. به نظر آنها دین ساخته و پرداخته دست مردان بوده تا از طریق آن بتوانند زنان را تحت کنترل وسلطه خویش قرار دهند. خانواده نیز موجب تحقیر و تبعیض زنان است. خانم مارتا ناسبام معتقد است بیرحمانه ترین تبعیضها نسبت به دختران از محیط خانواده شروع میشود. همچنین سیمون دوبووار میگوید به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. جامعه باید به کلّی تغییر کند و به زنان اجازه ندهد که فقط وظیفه پرورش فرزندان را بر عهده گیرند.

نقد و ارزیابی تحلیلی فمنیسم

تعدد گرایش ها در فمنیسم نشانگر ناسازگاری، اختلافات، عدم تحمّل و نقد درونی حامیان آن در این مکتب است. در میان گرایش های فمنیستی، «فمنیسم رادیکالی (افراطی)» مخرّب ترین و عقب افتاده ترین جنبش دهه ۶۰ است (رابرت اچ. بورک، پیشین، ص۴۳۹). اگرچه دیگر گرایش ها همگی نیازمند نقد هستند، اما آنچه امروزه نقد آن از اهمیت لازم برخوردار است، «فمنیسم رادیکالی» است. نقد این جنبش نیازمند کاوشی عمیق در برخی حوزه های معرفتی همچون هستی شناسی، شناخت شناسی و انسان شناسی است. اما دیگر گرایش های فمنیستی عموماً نیازمند نقدی سطحی و رویین در مسأله فمنیسم هستند؛ چراکه اساساً نقدهایی که در حوزه معرفتی و اندیشه ای بر مکاتب لیبرالیسم، مارکسیسم، سوسیالیسم و پسانوگرا وارد می شوند به گونه ای طبیعی مسأله فمنیسم را نیز در برخواهند گرفت، اما وضعیت فمنیسم رادیکال بدین گونه نیست. «فمنیسم رادیکال» مکتب یا به عبارت بهتر، جنبشی است که اصلاً در باب زنان و رهایی آنان شکل گرفته است. از این نظر، شاید بتوان حق را به کسانی داد که معتقدند: فمنیسم واقعی همان «فمنیسم رادیکال» است. به برخی از ابعاد و معضلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این جنبش، که عموماً از زبان غربی ها بیان شده اند، فهرستوار اشاره می شود:

۱. جنبش فمنیسم منظری تک بعدی به تمام جنبه های زندگی انسان دارد. این جنبش تمام بدبختی ها و شرور جهان را در اثر تسلط مردها بر زنان دانسته و خواهان حذف مردان در تمام عرصه های اجتماعی است، درحالی که زندگی در این جهان و بقا و تداوم آن ناگزیر از تعامل زن و مرد در زندگی اجتماعی است. بنابراین، عدم توجه به مکمّل بودن زن و مرد و برتری یا فرودستی هر یک از دو جنس بزرگ ترین خطای این دسته از فمنیست هاست.

۲. روح حاکم بر جنبش فمنیستی همان روح دیکتاتوری است. فمنیسم به فرد اجازه نمی دهد تا برای خود تصمیم گیری نماید و بیندیشد؛ حتی در تفکر خصوصی اشخاص هم مداخله می کند. به فرد اجازه ابراز وجود نمی دهد و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

کوچک ترین فعالیت های افراد را تحت نظر دارد؛ چراکه اساساً این جنبش مدعی مهار تمام بخش های زندگی بشر است. فمنیست ها در آن واحد، ضد بورژوا، ضد کاپیتالیست، ضد خانواده، ضد دین و ضد روشن فکرند (رابرت اچ. بورک، پیشین، ص ۳۴۶).

۳. فمنیسم مسؤولیت های سنگینی بر زنان تحمیل کرده است. زنی که در گذشته، روش و شیوه زندگی اش، انتخابش و اصولا برنامه ادامه حیاتش در این جهان برای وی مشخص و معلوم بود، امروز باید در کلیه موارد، تنها خودش تصمیم گیرنده اصلی باشد و این همه مسؤولیت و تصمیم، که هر زنی در جامعه امروزی با آن مواجه است، به حدی سنگین می باشد که برای عده بسیاری از زنان در غرب به مرز غیرقابل تحمّلی رسیده است.

۴. بها ندادن به شریف ترین حرفه زنان یعنی «مادری» و «خانه داری»، یکی از کریه ترین و زشت ترین چهره های فمنیست هاست؛ حرفه ای که اساساً به لحاظ توانایی های جسمی و روحی، تنها زنانند که می توانند به خوبی از عهده آن برآیند و مردان هرگز قادر به اداره آن نیستند.

۵.مبارزه با فمنیسم امری بسیار مشکل است. فمنیسم حقیقتاً استعداد مؤثری در تهدید و ایجاد وحشت در دیگران دارد. برای مردان جلوگیری از رشد فمنیسم و برشمردن حرف های خلاف واقع آنان بسیار مشکل است. اگر مردان خطر رویارویی با فمنیست ها را نادیده بگیرند و مشت بسته آنان را باز کنند، مسلماً مورد اتهام دشمنی و خصومت با زنان و حقوق آنان قرار خواهند گرفت. آنان مردان را متهم خواهند کرد که با نادیده گرفتن حقوق زنان، قصدشان خوارشماری آنان و بازپس گیری حقوقی است که تا به حال به آنان تفویض کرده اند. آنان ادعا خواهند کرد که مردان علاقه مندند تا زنان را دوباره به موقعیت گذشته ـ یعنی فرمانبرداری از مردان ـ بازگردانند. مردانی که از این اتهامات وحشت دارند، حزم و احتیاط را برگزیده اند.

نقد و ارزیابی تحلیلی فمنیسم اسلامی

فمنیسم، حتی در بهترین نوع برداشت (فمنیسم اسلامی)، در موارد زیادی با اصول اسلامی همخوانی ندارد و از نظر جامعه ایرانی مطرود است. مشکل زنان در جوامع اسلامی، به ویژه ایران، از یک طرف به فرهنگ اجتماعی و سنت ناصواب و عدم اجرای صحیح قوانینی اسلام بر می گردد و از سوی دیگر، به سبب عدم شناخت زنان از حقوق اجتماعی و اسلامی خودشان است. زنان به دلیل این که ابزار و امکانات لازم برای اجرای قوانین را در دست ندارند، دچار محرومیت و ظلم می گردند. این بدین معنا نیست که زن مسلمان برای احقاق حقوق خود به فمنیسم پناه ببرد؛ چون اسلام از نظر محتوا و اصول، غنی است و برای حفظ و صیانت زن، نیازی به فمنیسم نمی‌بیند. فمنیسم، حتی فمنیسم اسلامی، با وضعیت اعتقادی و فرهنگی زن مسلمان سنخیتی ندارد و نمی‌تواند به دفاع از حقوق آنان بپردازد. فمنیست‌های اسلامی بجای کشف و حل مسائل و معضلات جامعه زنان، به دنبال مسئله‌سازی و ایجاد شبهه برای زن مسلمان هستند. فمنیسم اسلامی به عنوان یک جنبش، به طور کلی از دو ناحیه رنج می‌برد و نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازمندی‌های زنان مسلمان باشد:

۱. از لحاظ بینش و ایدئولوژی و بنیه علمی ضعیف است؛

۲. از یک مکانیسم مناسب برای موضع‌شناسی مسائل جدید محروم است.

زنان و مدیریت شهر

مطالعات و منابع گوناگون از کشورهای مختلف نشان می دهد که افزایش زنان در جایگاه های مدیریتی، به ویژه در مقایسه با تعداد زنان شاغل، هنوز نامتعادل است («کرافورد» ، ۱۹۳۳؛ «کوتیس» ، ۱۹۹۳؛ بنقل از کجباف و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). در حال حاضر جامعه صنعتی چون در تمام حوزه ها متکی به حاکمیت مردانه است، در برخی عرصه ها که نیاز به روحیات غالب زنان است، ضعیف عمل می کند؛ لذا می توان در آن زمینه ها از مدیریت زنانه بهره گرفت؛ لذا با بررسی و ارزیابی اقدامات شهرداری کلانشهر تهران در این رابطه به راهکارهایی چند در راستای توسعه و ارتقاء حضور کارآمد این قشر در سطوح مشارکت پذیری و مدیریتی امور شهری پرداخته

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

می شـود. [1]

زنـان اغلب نسـبت بـه محیـط زندگی خـود حسـاس تر بوده و بیشـتر بـه دنبـال تحولات مثبت آن هسـتند، ایـن در حالی اسـت کـه مـردان بـه خاطـر سـطحی نگـر بـودن نسـبت به برخـی مسـائل، دیرتـر واکنش نشـان می دهند. حضـور زنان در فضـای شـهری نـا خـودآگاه آن فضـا را بـه لحـاظ روانـی قابـل اطمینـان تـر می کنـد و ایـن اطمینـان زمینـه را بـرای بـروز سـایر اتفاقـات سـازنده شـهری فراهـم مـی آورد و در پاکسـازی رفتـاری- ادراکـی محیـط میسـر بوده و مـی تواند بـه حذف گـروه هـا و رفتارهای ناهنجـار بیانجامد. از سـویی دیگـر، فضـای شـهری، جایی اسـت که سـاکنین یک شـهر را بی بهانـه کنـار هـم قـرار داده و بـه ارتبـاط وجـودی شـهر و انسـان شـهری معنـا می بخشـد و بـه سـبب آن، حافظـه اجتماعی هر شـهروند مملو اسـت از خاطره های شـهری که در آن زندگی می کند و به آن احسـاس تعلق خاطر دارد. حال اگـر این شـهر تنها نیازهای شـهری قشـر و یـا جنس خاصی از سـاکنین را بـرآورده سـازد، از لحـاظ عملکـردی تبدیـل به فضایـی تک بعدی می شـود که بسـیاری از اتفاقـات مثبت و سـازنده از آن حذف می شـود. بـرای جلوگیـری از این حادثه، اولیـن قـدم سـاماندهی شـهر و فضاهای شـهری بـه نحوی اسـت کـه پذیرای تمامی زنـان و مردان باشـد؛ چراکه هریک از ایـن دو گـروه، بـه واسـطه ویژگـی های جسـمی، روحی و رفتـاری خـود، خصوصیـات ویژه ای را به محیط می بخشـند. از ایـن روی، توجـه به مسـائلی که زنـان را وادار بـه دوری از عرصه هـای همگانـی و حضـور کمرنـگ در شـهر می کننـد و چـاره جویـی بـرای آن، بسـیار حائـز اهمیـت مـی باشـد. از دیـدگاه نظریه نیازهای انسـانی و نقـش آن در تأمین رضایت و سـعادت شـهروندان دو متغیر اساسـی وجود دارد که عبارت اسـت از «جنـس» و «سـن». اگر چـه نیازهای اساسـی همه انسـانها مشترک اسـت ولی در واقع شـیوه بروز و ارضای آنها کامـلا یکسـان نیسـت. بدیهی اسـت کـه الگوهـای رفتاری زنـان و مـردان در مکانهـا و فضاهـای شـهری یکـی نیسـت

۱.جایگاه زنان در سطوح مدیریتی و بررسی و آسیب شناسی عدم مشارکت پذیری آنها در سطوح مدیریتی از جمله مهمترین مواردی است که انتظار می رود در فرآیند برنامه ریزی راهبردی سطوح مدیریتی شهر مورد بررسی قرار گیرد، در ادامه به برخی از تحقیقات در این رابطه به اختصار اشاره می شود:

(*) از بررسی اطلاعات ۴۰ کشور راجع به توسعه انسانی بر اساس آخرین آمار بین المللی سال ۱۹۹۸ و تاثیر آن بر میزان فعالیت زنان چنین نتیجه گیری می شود که کشورها می توانند در زمینه فعالیت اقتصادی زنان در سطوح بالای شغلی سرمایه گذاری کنند و شاهد رشد توسعه انسانی باشند. مواردی که مورد آزمون و تایید قرار گرفته عبارتند از: عدم دسترسی زنان به تخصص های بالا، حضور فیزیکی در محل کار، ساعت های کار، مشکل ایاب و ذهاب، مشکل ترکیب نقشهای مادری- همسری با کار بیرون خانه (بابایی زکلیلی، ۱۳۸۵، ص ۵۹).

(*) اسفیدانی موانع دستیابی زنان به پست های مدیریت در وزارت خانه های کشور را مورد بررسی قرار داده است. طبق نتایج تحقیق عدم قرارگیری زنان در پست های مدیریتی، به مردسالاریِ فرهنگ سازمانی و همچنین نگرش مدیران مرد در وزارتخانه های مستقر در تهران معطوف می باشد» (لهسایی زاده و بوستانی، ۱۳۸۵).

(*) طبق نتایج مقاله ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی ایران توسط دکتر شمس السادات زاهدی مسئولیت های خانوادگی و عوامل سازمانی شامل سیاست های منابع انسانی، قوانین و مقررات رویه ها و روش ها، شرایط احراز مشاغل مدیریتی، در اقلیت بودن زنان، سبک های مدیریتی، موانع ارتباطی، جو و فضای سازمانی، عوامل فرهنگی، مانع ارتقای زنان در سطوح مدیریتی در ایران است (زاهدی، ۱۳۸۲، ص ۱۷).

(*) تحقیقی تحت عنوان بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جای گاه های مدیریتی در سال ۱۳۸۷ توسط محمد باقر کجباف و ملیحه سادات کاظمی انجام شده است. نتایج نشان داد که مردان نسبت به مدیریت زنان نگرشی منفی دارند و عوامل فردی و شخصیتی را از موانع مدیریت آنان می دانند.

(*) محمد علی بابایی زکلیکی پژوهشی با عنوان چالش های زنان برای دستیابی به مشاغل مدیریتی در سازمانهای دولتی در سال ۱۳۸۷ انجام داده است. طبق بررسی ها در سالهای اخیر تعداد زنان ارتقا یافته به مشاغل مدیریتی افزایش یافته است ولی هنوز آنان سهم اندکی از کل مشاغل مدیریتی برخوردارند.

(*) تحقیقی تحت عنوان مشارکت اجتماعی در ایران توسط منوچهر محسنی و عذرا جاراللهی انجام گرفته است. طبق این تحقیق بیشترین مشارکت با گروهها نزد میانسالان مشاهده می شود که به اقتضای سن معمولا بیشترین فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی را به عهده دارند (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۴۷).

(*) فاطمه صمدیان، پژوهشی را تحت عنوان «بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان در کرمان»، نتیجه گرفت متغیرهای زمینه ای وضعیت تاهل و تحصیلات با مشارکت رسمی رابطه معنی دار دارد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

و به همین دلیل نمی توان به شیوه یکسان به نیازهای آنان در هنگام کار، رفت و آمد، حمل و نقل، ورزش، تفریح و استراحت پاسخ گفت. اما مسئله بسیار شگفت آور و در عین حال تأسف انگیز این است که در شهرسازی مدرن- با وجود حضور وسیع زنان در عرصه های عمومی و فضاهای شهری- خیلی کم به تفاوت و تنوع این نیازها توجه شده است. گویا در دل «منشور شهرسازی مدرن» منشور نانوشته دیگری وجود دارد که شهر را برای مردان مجرد و میانسال طراحی می کند. بیشتر الگوها، ساختارها و معیارهای شهرسازی مدرن خصلتی «مردانه» دارند و آگاهانه یا ناآگاهانه برای زنان همان نقش «جنس دوم» در نظر گرفته شده است (مهدیزاده، ۱۳۸۷).

این درحالی است که زنها در شهرهای سنتی جایگاه خاص و پر رنگ تری داشتند. زن ها هنگام خرید، ملاقات های روزانه و دور هم جمع شدن ها آزادی بیشتری برای انتخاب مکان و انجام فعالیت های شهری شان داشتند. اغلب در مراکز محلات فضایی هر چند ساده و محقر وجود داشت که مهر پاتوق زنان آن محله بر آن خورده بود. کودکان به واسطه دلگرمی حضور مادرانشان در محلات به بازی مشغول می شدند و این ترکیب سنی و جنسی از شهروندان، فضایی گرم، خودمانی و در عین حال با ضریب امنیت بالا را فرآهم می آورد. جای خالی این فضاها و تعاملاتی که به واسطه وجود آن شکل می گیرد؛ در شهرهای امروز و از جمله شهر همدان بسیار محسوس است. امروزه با وجود اینکه زنان زیادی در رشته های مهندسی مربوط به شهرسازی دارای تحصیلات عالیه هستند، کمتر از ایده و دیدگاه زنان در ساماندهی شهری بهره گرفته می شود. شهری که اغلب از دریچه دید مردان مورد بررسی، نقد و برنامه ریزی و طرح ریزی قرار گیرد، ناخواسته رنگی مردانه نیز به خود می گیرد و این در تضاد با مقوله عدالت

جدول ۱. جایگاه زنان در اسناد فراملی؛ ماخذ: یافته های تحقیق بر اساس اسناد جهانی.

	موضوعات مورد توجه
منشور ملل متحد	تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی برای همه بدون تمایز جنسی، نژاد و مذهب و اعلام مجدد ایمان به حقوق بشر و تساوی زن و مرد
کنفرانس نایروبی (ژوئیه ۱۹۸۵)	اصولی در رابطه با همکاری بین المللی و منطقه ای جهت افزایش حضور و مشارکت بیشتر زنان بدون حتی یک رای منفی ۱۵۷ کشور آنرا تصویب کردند. اصول ۸۶ تا ۹۲ این سند بر برابری مشارکت و تصمیم گیری بین زنان و مردان تاکید دارند.
کنفرانس قاهره (نوامبر ۱۹۹٤)	برابری و عدالت جنسی و تواناسازی زنان، مدیریت برنامه ها، توسعه منابع انسانی و توجه به دستمزدهای برابر در مقابل کار یکسان زنان و مردان
کنفرانس جاکارتا (جون ۱۹۹٤)	این کنفرانس تحت عنوان زن وتوسعه بر گزار شد. موضوع اصلی آن رشد کمی و کیفی بانوان جهان در مواردی مثل آموزش، اقتصاد، بهداشت، برابری و غیره و ارائه راهکارهای عملی برای رفع این مشکلات بود (دسترسی زنان به منابع خود اشتغالی، تشویق زنان سرمایه گذار، رعایت حقوق کاربری زمین و مالکیت زنان، توجه به برنامه ریزی با توجه به جنسیت ها، ارتقاء مهارت های سرمایه گذاری و مدیریت در میان زنان، دسترسی زنان به پیشرفت های شغلی بود؛ توجه ویژه این سند به دسترسی برای زنان به قدرت و تصمیم گیری است.
اعلامیه پکن (سپتامبر ۱۹۹۵)	دستور کار این کنفرانس مسائل و مشکلات بانوان و ارائه راهبرد های جدید و مرور کنفرانس های قبلی بود. این سند به بحث زنان، اقتصاد و مشارکت در برنامه ریزی توجه دارد. توانمندسازی و خود مختاری زنان و بهسازی منزلت سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و حصول توسعه پایدار امری حیاتی است. بدون شرکت فعال زنان و دیدگاه آنها در سطوح تصمیم گیری اهداف برابری توسعه و صلح دستیابی نمی شود.
اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل (پکن+۵) (ژوئن ۲۰۰۰)	هدفش ارزیابی موفقیتها، ناکامی‌ها و موانع موجود در راه اهداف تعیین شده در نایروبی و پکن بود. در این سند علاوه بر دستاوردهای اسناد گذشته، به موانع نیز اشاره شده است؛ مانند در آمدهای پایین و امنیت شغلی اندک زنان و شکاف جنسی در دستمزدها با توجه به تجارب مشابه با مردان، محقق نشدن دستمزد یکسان مردان و زنان، فقدان حقوق برابر به مالکیت زمین و سایر دارایی ها.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۲. تبیین عوامل تحدید کننده مشارکت زنان در توسعه شهری؛ ماخذ: ماجدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۹.

خلاصه یافته ها	دیدگاه ها و نظریات مرتبط
نابرابری فرصتهای جنسیتی	دیدگاه فرصت برابر: «نظریه بونیک»
محدود شدن زنان در ورود به قلمرو فعالیتهای اجتماعی	دیدگاه حاشیه ای شدن: «نظریه تیانو»
سوء استفاده از نیروی کار ارزان زنانه	دیدگاه بهره کشی: «نظریه تیانو»
عدم توجه به جایگاه زنان در فرهنگهای گوناگون	دیدگاه زنان و توسعه
تفکیک جانبدارانه جنسیتها	دیدگاه جنسیت و توسعه
استفاده ابزاری و اسمی از مشارکت زنان در برنامه های مشارکتی	جمعبندی دیدگاه های مشارکتی

شهری است. طبیعی است که تواناترین شهرسازان مرد هم نمی توانند از تمامی نیازهای و خواسته های شهری زنان آگاهی یابند، حسی که توسط یک زن هنگام حضور در فضاهای مختلف شهری درک و برداشت می شود، هرگز به طور کامل توسط یک مرد قابل درک نخواهد بود. لذا رسیدگی به این امر باید در رأس امور مدیریت شهر ها قرار گیرد چراکه ترکیب نیروی ذهنی- ادراکی زن و مرد در ساختار مدیریت شهری، تحولات مثبتی را به دنبال خواهد داشت. پیش بردن چنین رویکردی می تواند از جدایی گزینی زنان با عرصه های عمومی شهری کاسته و به برقراری دوباره پیوند همه جانبه شهر با روحیه شهروندان زن بیانجامد.

زنان و توسعه شهری

«سارا لانگه» (۱۳۷۲) مساوات بین زنان و مردان را محور تعریف توسعه امور زنان دانسته و فرایند توسعهٔ امور زنان را در پنج مرحله از برابری می داند. او تأکید می کند که توانمندسازی نه تنها ناشی از کسب برابری است، بلکه به همان میزان برای تعقیب اهداف برابری ضرورت دارد. مراحل برابری از نظر او عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت، کنترل. این مراحل نشان می دهند که مدارج بالای برابری خود به خود به عنوان مدارج بالای توسعه و توانمندسازی به شمار می آیند:

۱. «**دسترسی**»: «فواصل جنسیتی» در مرحله رفاهی به طور مستقیم از مسأله نابرابری دسترسی به منابع ناشی می گردد؛ فواصل جنسیتی در اینجا به معنی دسترسی کمتر زنان به منابع است. برابری در این مرحله به معنای این است که زنان دارای حق مساوی در دسترسی بر طبق اصول برابری باشند؛ دسترسی به عوامل تولید، آموزش، کارهای دست مزدساز، خدمات، آموزش های مهارت زا که استخدام و تولید را ممکن می سازند، حتی دسترسی به دسترنج خود.

۲. «**رفاه**»: در این مرحله، مسایل رفاه مادی زنان در مقایسه با مردان در مواردی مانند وضعیت تغذیه، تهیه مواد غذایی و درآمد مورد بررسی قرار می گیرد. زنان به عنون افرادی تصور می شوند که قادر نیستند در وضع خود تغییراتی بدهند و فقط از مزایای برنامه های رفاهی استفاده می کنند. این مرحله، مرحلهٔ صفر از مراحل توانمندسازی زنان به شمار می آید.

۳. «**مشارکت**»: مشارکت در اینجا به معنی مشارکت برابر زنان در تصمیم گیری است یعنی حضور زنان در تمام مراحل، بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه ریزی مدیریت، اجرا و ارزشیابی. برابری در مشارکت به معنی شرکت زنان در تمامی پروژه هایی که به آنان مربوط است و دخالت دادن آنها باید نسبت به تعدادشان باشد. چنین افزایش حضوری به منزله توانمندسازی و یک عامل بالقوه مشارکت به سوی افزایش سطح توانمندسازی است.

۴. «**آگاهی**»: این مرحله از برابری شامل این است که زنان نابرابری های ساختاری را درک کنند. زنان باید درک کنند که مشکلات آنها ناشی از بی کفایتی ها و کمبودهای شخصی آنان نیست، بلکه این سیستم اجتماعی است که این تبعیض-ها را بر آنها تحمیل کرده است. در این مرحله زنان باید تشخیص دهند و بدانند که نقش های جنسیتی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۳. دسته بندی برخی موانع ارتقای جایگاه زنان در شهر؛ ماخذ: نگارنده.

انواع موانع	مصداق های به دست آمده از تحقیقات
موانع محیطی و موانع اجتماعی	حاکم بودن روابط به جای ضوابط، نابرابری در تخصیص امکانات و منابع (عدم تفویض جای گاه های مدیریتی یا بورسیه، اعزام به خارج، و مانند اینها)، نبودن و یا فعال نبودن تشکیلاتی منسجم برای دفاع از حقوق زنان
موانع فرهنگی	چند مسئولیته بودن زنان (همسرداری، بچه داری، رسیدگی به امور خانه و مانند این ها)، حاکمیت فرهنگ مرد سالاری، وضعیت فرهنگی از جمله باور نداشتن توان زنان، باورهای قالبی نسبت به کاستی های فیزیکی و جسمانی زنان
موانع مذهبی	باورهای سنتی دینی (زن نباید با نامحرم نشست و برخاست کند و سایر معذورات شرعی)، تعابیر نادرست سهوی و عمدی از شرع و مسائل شرعی
سوابق تاریخی	عدم وجود مدلهای مدیریتی برای زنان از جنس خودشان در ایران (نبود سابقه تاریخی مانند ایندیرا گاندی، بی نظیر بوتو، مارگات تاچر، و مادلین آلبرایت)، ضعف در اثبات کفایت زنان در صورت پذیرش مسئولیت (به نظر می رسد هر زمان که زنان به جای گاه مدیریت رسیده اند کفایت لازم را از خود نشان نداده اند)
موانع فردی و موانع شخصیتی	پایین بودن ریسک پذیری زنان (پذیرش مخاطرات جای گاه مدیریتی)، بی علاقگی زنان به پذیرش جایگاه مدیریت و خود را شایسته مدیریت ندانستن، زنان فکر می کنند نمی توانند از عهده مدیریت بر آیند (اعتماد به نفس پایین)، حساس بودن بیش از حد زنان (برخورد کردن احساسی به جای برخورد منطقی)
روابط بین فردی	ضعف در پذیرش مخاطرات روابط غیر سازمانی حاکم بر گزینش مدیر (عضویت نداشتن انجمن، گروه، گرایش های فکری و هم سویی با گرایش فکری مدیر)، عدم ارتقای شغلی زنان به دلیل تنش میان مدیران زن با سایر زنان به ویژه پرسنل تحت نظارت خود، عدم هم کاری بین زنان (مانند حسادت و چشم و هم چشمی)
دانش و آگاهی	پایین بودن آگاهی و معلومات زنان از نظر اجتماعی و مسائل جاری، پایین بودن آگاهی و معلومات زنان از نظر علمی، حرفه یی، تخصصی، و اجرایی بالا بودن ضریب خطای حرفه ای زنان
عوامل سازمانی (سیاست های منابع انسانی، قوانین و مقررات رویه ها و روش ها)	چالشهای موجود در حوزه سازمانی بالاخص سیاستهای جذب و استخدام مستخدمین در قالب قوانین و مقررات و روشهای حاکم در حوزه مدیریتی
در اقلیت بودن زنان	زنان در جای گاه مدیریتی سازمان ها به طوری متناسب حضور نیافته و در اقلیت اند، در این جای گاه ها معمولا نقشی جزئی دارند و آسیب پذیرند و همراهان و مربیان کمتری دارند
نگرشی منفی مردان نسبت به مدیریت زنان	پیشگیری از سویه گیری های مردان نسبت به مدیریت زنان، تغییر نگرشی که الگوی رهبری موفق را شکل گرفته بر پایه ی صفات مردانه می داند
تبعیض شغلی عمودی برای زنان	تجزیه شدن بازار کار

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

به فرهنگ وابسته و قابل تغییر است. در این سطح برابری به معنای باور داشتن به برابری است. تقسیم کار بر حسب جنسیت در جامعه می بایست مطلوب هر دو طرف باشد. توانمندسازی یعنی دیدن جامعه از ورای فواصل جنسیتی و پس زدن آنها.

۵. «**کنترل**»: افزایش مشارکت زنان در حد تصمیم گیری، آنها را به سوی توسعه فزاینده سوق داده و تواناتر می نماید، به گونه ای که این مشارکت برای کسب افزایش کنترل عوامل تولید و تضمین برابری دسترسی به منابع و توزیع عادلانهٔ منافع باشد. برابری در کنترل به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است و این به معنای آن است که هیچ کدام از آنها در مقام فرمان روایی نخواهند بود. «فواصل جنسیتی» شکلی از قدرت نابرابر بین زنان و مردان تلقی می شود؛ به عنوان مثال در اینجا، کنترل شوهر بر کار و درآمد همسرش، به این معناست که قدرت تولید زن ممکن است افزایش یابد ولی صرف تأمین رفاه خود و فرزندانش نشود. منظور از توانمندسازی تعویض مردسالاری به زن سالاری نیست بلکه بیشتر برای معرفی برابری جنسیتی در فرآیند توسعه است. برابری در کنترل برای استفاده از سود بردن زنان لازم است (لانگه، ۱۳۷۲، صص ۳۲ – ۲۷).

زنان و تک جنسیتی بودن فضاهای شهری

در بررسی رابطه بین «جنسیت و فضا» با پدیده‌ای تحت عنوان «فضاهای جنسی شده» و «فضاهای جنسیتی شده» برخورد می کنیم. مکان های خاص ممکن است بر اساس جنس زیست شناختی افرادی که آنها را اشغال می کنند خصوصیات جنسی داده شوند یا بر اساس جنسیت فعالیت های مختلف که در آنها انجام می شود، جنسیت داده شوند. از این رو جنسیتی شدن فضا زمانی بعنوان مشکل مطرح می شود که بنا به دلایلی یکی از دو جنس (زن/ مرد) مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره برداری از آن فضا محروم شوند، درحالی که امکان بهره مندی مطلوب از فضاهای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندی محسوب می شود (کاظمی، ۱۳۸۸):

۱. «**زنانگی احساس شهروندی**»: درگیرکردن حس شهروندی زنان با نگرانی ها و دغدغه های مادرانه آنها، شهر را برای هر شهروند دیگری ایمن و سلامت می کند. زنان به لحاظ احساسات زنانه و مادرانه ای که دارند بیشتر از مردان درگیر مسائلی چون ایمنی و سلامت فضای بازی کودکان، پاتوق های شهری جوانانشان و غیره هستند. این موضوع به وسیله «مارشال برمن» مطرح می شود. به نظر مارشال برمن در کتاب «تجربه مدرنیته» یکی از عوامل اساسی در شکل گیری اندیشه های جین جکوبز، احساس زنانه و مادرانه ای است که او را به سوی نوعی شهرسازی انسانی هدایت می کرد. احساسی که از جنب و جوش زندگی روزمره مثل خرید زنان خانه دار، دلهره مادران بچه دار، بازی کودکان، تجمع کهنسالان، سرخوشی جوانان، گفتگوی همسایگان و خرده فروشان محلی سرچشمه می گرفت (مهدیزاده، ۱۳۸۷).

۲. «**نابرابری جنسیتی**»: این موضوع مسئله ای است که در تمامی عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره قابل مشاهده است و از آنجایی که تمامی این عرصه ها در بستر یک شهر شکل می گیرند، لذا شهرها آینه تمام نمایی از این نابرابری هستند. شرایط حاکم بر پارک، فضای روانی را به گونه ای سازمان داده که شهروندان زن، موفق به برقراری ارتباط با آن نمی شوند. مردسالارانه بودن فضا و یا به عبارت دیگر تسلط فضایی مردان بر فضای پارک از مهم ترین دلایل این عدم ارتباط هستند.

۳. «**ناامنیتی جنسیتی**»: وجود کنج های پنهان، فضاهای سایه گیر و تاریک که روشنایی مناسبی ندارند همواره در مقابل حضورپذیری زنان در پارک به عنوان یک عامل دافعه عمل می کنند. بنابراین بیشتر استفاده کنندگان از این فضا شهروندان مرد هستند. از طرف دیگر، به دلیل مشغله های روزانه، مردان نیز به ندرت این فرصت را پیدا می کنند که به همراه خانواده خود، برای گذران اوقات فراغت، رهسپار پارک شوند؛ در نتیجه، فضای پارک در طول روز اغلب مورد استفاده گروه های ناهنجار شهری قرار می گیرد و ترس و دلهره حاصل از این روند، در زن گریز بودن فضای پارک مزید بر علت شده است و فضا هر چه بیشتر به سمت تک جنسیتی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شـدن پیش مـی رود.

۴.«انحصارزدگی فضایی- جنسیتی»: تک جنسیتی شدن فضاهـای شـهری، پدیـده غالـب در شـهرهای امـروز اسـت. فضاهایـی کـه کامـلاً در انحصـار مردان قـرار گرفتـه و زنان ناخواسـته مجبـور بـه تـرک آن فضـا می شـوند. فضاهـای مردسـالارانه ای کـه همـواره زنـان را از خود می رانـد. این در حالـی اسـت کـه اغلـب عابرین پیـاده شـهر را زنان تشـکیل مـی دهنـد و کـودکان نیز توسـط مـادران خـود بـرای تفریح بـه پـارک آورده مـی شـوند و در مقابل مردان بیشـتر مایل به سـفرهای سـواره در سطح شـهر هسـتند. تک جنسیتی شدن ایـن فضـای شـهری، زنـان را سـرخورده می کنـد، آنـان را از شـهر دلگیـر کـرده و چـون فضای مناسـب خـود را در شـهر نمـی یابنـد هرگز شـهر را از آن خـود نمی داننـد. این بدبینی گاهـی نسـبت بـه محیـط های سـالم موجـود در بطن شـهر نیـز حـس می شـود، زیرا ایـن نوع برداشـت زنـان در حافظه ادراکیشـان ثبـت شـده و حـذف آن کار آسـانی نیسـت. زنانی کـه بارهـا در فضاهای شـهری دچـار ترس و دلهره شـده اند، بـه راحتـی حاضر به تجربه دوبـاره آن فضا نیسـتند و با عقب کشـیدن خـود از آن محیـط، آن را بیشـتر در انحصـار مـردان درآورده و بـر تـک جنسـیتی شـدن آن مهر تأکیدمـی زنند.

زنان و ناپذیرندگی حضور در فضاهای شهری

عوامـل محدودکننـده ای ماننـد خطـر و تـرس، مهم ترین عناصر در تجربه زنان در فضای شـهری هسـتند که اسـتفاده زنـان از فضای شـهری را محدود می نماینـد. ترس به عنوان عامـل مهمـی در عـدم حضـور زنـان در فضاهـای عمومـی مطـرح مـی شـود. در تعریـف تـرس در فرهنـگ لغـت آمـده اسـت: نگرانـی و اضطرابـی که بوسـیله حضـور و یـا احتمال خطـر بوجـود می آیـد. عامـل تـرس و امنیت شـبانه موضوع بسـیار مهمی اسـت که بر کاهـش میزان حضور زنان نسـبت بـه مردان در شـب تأثیـر می گـذارد (رضـازاده، ۱۳۸۸).

زنان و مردسالاری شهر

اسـتفاده و مناسـب بـودن فضاهـای عمومی، موضـوع مهمی اسـت کـه بایـد در هر مطالعـه ای کـه زندگی روزمـره زنان و مـردان را مـد نظر قـرار می دهد، مـورد توجه قرار گیـرد. نیاز بـه حضـور در فضا برای همه گروه ها فارغ از جنسـیت، سـن، سـطح درآمد، شـغل و غیـره امری ضـروری اسـت. فضاهای عمومـی بـه طـور اعـم و فضاهـای شـهری بـه طـور اخص بدلیـل سـاختار کالبـدی و کارکـرد اجتماعیشـان مهم-تریـن وسـیله در جهـت تقویـت جامعه مدنـی هسـتند. جامعه مدنی عرصـه ای را فراهـم مـی آورد کـه امـکان مشـارکت بـرای تمامـی گروه هـا در آن بـه وجـود می آیـد (رضـازاده، ۱۳۸۸). انسـان برای رشـد شـخصیت فرهنگـی و اجتماعی خـود، نیاز بـه حضـور در عرصـه هـای اجتماعـی شـهر دارد. در واقـع بخشـی از شـخصیت هـر فرد به وسـیله شـخصیت اجتماعی او تکمیـل شـده و چنانچـه فـرد جایـگاه مناسـب خـود را در اجتمـاع نیابـد، دچـار سـرخوردگی و بحـران هویت می شـود. ایـن مسـئله نقـش مهمی در شـکل گیـری شـخصیت روانی افـراد هر جامعه بـازی می کند. از این روی، ریشـه معضلاتی چـون اجتماع گریـزی، فردگرایی و افسـردگی را نیز در همین مسـئله مـی تـوان یافـت. هنگامـی کـه فضاهـای شـهری، بـه واسـطه شـرایط نامسـاعدی که دارنـد (همچـون ناامنی)، شـهروند زن را از خـود مـی رانند، فـرد به مرور زمان با شـهر غریبگـی مـی کنـد، گویی شـهر بـرای همه هسـت، بـه غیر از او؛ در نتیجـه ترجیـح مـی دهـد تـا در چهاردیـواری خانـه خـود بمانـد. ایـن در حالی اسـت کـه امـروزه روز، اکثـر زنان شـاغل بوده و بیشـتر وقت خود را در محیـط کار می گذرانند. بنابرایـن از لحـاظ روحـی نیـاز بـه حضـور در فضاهـای باز و عمومـی شـهر دارنـد و اغلـب پاسـخی بـرای ایـن نیـاز نمی یابنـد. ایـن موضوع حتـی بر میـزان اعتماد به نفس سـاکنین یک شـهر تأثیـر گذار اسـت.

زنان و شهرگریزی جنسیتی

بطـور کلـی دو بعد برای امنیت وجـود دارد: یکی بعد «عینی» (objective) کـه بـا پارامترهـای عینـی محیطـی و رفتاری ارزیابـی می گـردد و دیگری بعـد «ذهنـی» (subjective) اسـت که بر اسـاس احسـاس امنیـت از جمع درک می شـود. نگرش جنسـیتی به مسـأله امنیـت نمی توانـد تبعیض و خط مشـی محسـوب شـود زیـرا در صـورت ایجـاد یـک فضـای امـن بـرای زنـان بـه صـورت متعاقـب کـودکان و مـردان نیـز احسـاس امنیـت و آرامـش خواهنـد داشـت. همچنین از بعـد عدالـت اجتماعـی و عدالـت شـهروندی، زنان نیـز مانند مـردان باید در فضای شـهری که شـهروند آن محسـوب می شـوند احسـاس راحتـی و امنیت داشـته باشـند و حضـور آنان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

در شـهر بدلیـل نـا امنـی ناشـی از ضعـف هـای شهرسـازی محـدود نشـده باشـد (ضابطیان و رفیعیـان، ۱۳۸۷). بسـیاری از کارشناسـان معتقدنـد شـهرها بـرای اینکـه ایمـن باشـند بایـد بـرای همه گروه های سـنی – جنسـی سـاخته شـوند و برنامـه ریـزان شـهری بایـد تفاوت های سـنی و جنسـیتی را در سـاخت آنهـا مـورد توجه قـرار دهنـد. در حالی کـه جامعه مـا روز بـه روز بیـش از گذشـته شـهری مـی شـود، بایـد به نیازهـای ملمـوس و محسـوس شـهروندان نیـز بـا تأکیـد بر جمعیـت، سـن و طبقه توجه کـرد. امنیت اجتماعـی و به طور کل امنیت، ارتباط مسـتقیمی با فضا و سـاخت وسـاز شـهری دارد. یـک فضای شـهری مناسـب تا حد زیـادی تامین کننده امنیـت و فضـای نامناسـب از بین برنده آن و زمینه سـاز انواع آسـیب هـا و معضـلات اجتماعـی اسـت. فضاهای نامناسـب شـهری، فضاهـای بـی دفـاع، محـلات ناامـن، شـهرهایی با معمـاری صرفـا مردانـه همـه و همـه از عوامـل تهدیدکننده امنیـت شـهری و اجتماعـی هسـتند (پارسـا، ۱۳۸۷). در واقع احسـاس عـدم امنیـت افـراد در یک جامعـه می توانـد تبعات فراوانی داشـته باشـد. فقدان اعتماد یا احسـاس نگرانی نسبت بـه چیزهـا و مسـائل مختلـف، سـبب رفتارهای خـاص کناره گیـری نیـز می شـود. شـهروندان بیمنـاک خـود را از خیابان هـا دور نگـه مـی دارند، از محـلات خاصـی دوری می جویند و فعالیـت هـای عـادی و ارتبـاط شـان را محـدود مـی کنند. همـان گونـه کـه به طـور فیزیکی کنـاره گیری مـی کنند، از نقـش هـای حمایـت متقابـل با همشـهریان خـود نیـز کناره مـی گیرنـد و بدین سـان کنترل هـای اجتماعی را که سـابقاً بـه حفـظ مدنیـت در اجتمـاع محلـی کمـک می کـرد، رهـا می کننـد (گیدنـز، ۱۳۷۸). بنابرایـن، تأمیـن امنیـت در تمامی فضاهـای شـهری از جملـه فضاهـای تفریحـی- عمومـی، محـلات مسـکونی و خیابان هـا اصلـی اسـت کـه موفقیـت یـک شـهر در گـرو تحقق آن می باشـد. شـهری کـه مورد اسـتفاده تمامـی شـهروندان در تمامـی رده های سـنی بوده و حافظـه فرهنگـی- اجتماعـی سـاکنین آن مملـو از خاطـرات مثبت شـهری باشـد.

زنان و مشارکت پذیری اجتماعی

ارزش انسـانی افـراد، احترام بـه آزادی و اختیار انسـان، اصول زیرسـاختی مشـارکت هسـتند کـه متضمـن موفقیـت فراگرد مشـارکت می شـوند. بطورکلی زنان در گذشـته در سـه نظام بازتولیـدی یعنـی بازتولیـد زیسـت شـناختی، بازتولیـد نیروی کار و بازتولیـد اجتماعی مشـارکت داشـته اند، اما امـروزه این نقـش متحـول شـده اسـت. ایـن مشـکلات را مـی تـوان به چنـد گروه عمـده تقسـیم کرد:

۱. موانعی که زنان خود برای خویش ایجاد کرده و می کنند؛

۲. مشکلات ناشی از حاکمیت تفکر مردسالار؛

۳. مسـائل شـرعی، مـواردی چـون: «۱. ممانعـت از اشـتغال زنـان بـه بهانـه پرداخـت نفقه از سـوی همسـر، ۲. اسـتقلال مالـی زن عامـل تمـرد از همسـر، ۳. وجـود ارتبـاط زیـاد بین زن و مـرد در بـازار کار، زنـان را از حضور در بازار کار واداشـته است.

۴. نابرابری تحصیلی؛

۵. فرهنـگ حاکـم بـر سـاختار ذهنـی جامعـه؛ تعبیرهـای نادرسـت از مدیریـت ماننـد: «زنـان تـوان انجـام کارهـای سـخت را ندارنـد»، «نرمـش خانـم هـا مانـع تصمیـم گیری اسـت (نادعلـی، ۱۳۸۵، ص ۶۰).

از ایـن رو ذکـر عواملـی کـه مشـارکت زنـان در حـوزه هـای اجتماعـی اقتصـادی، فرهنگی و سیاسـی را دچار مشـکل می سـازد، ضـروری می سـازد:

۱. «**موانـع اقتصادی**»: امکانات محدود اشـتغال، حاکمیت دیـدگاه خـاص فرهنگی و تأیید تقسـیم کار جنسـیتی سـنتی و همچنیـن عـدم حاکمیـت عقلانیـت در سیسـتم اقتصـادی موجـب حضـور کـم رنـگ زنـان در عرصـه هـای اقتصـادی

۱.از سویی نگرش مردسالانه حاکم بر جامعه، موجب اختصاص عالی ترین سطح مسئولیت ها به مردان و اشتغال زنان در مشاغل سطح پایین، ساده و کمتر تخصصی به این تقسیم کار جنسیتی دامن می زند (افشاری و شیبانی، ۱۳۸۰، ص ۳۶).

۲. گذشته از توجه به ساز و کارهای موجود در عرصه سیاست خود زنان نیز دارای رفتار سیاسی ویژه ای هستند: «۱. نگرش زنان نسبت به سیاست خوش بینانه نیست؛ ۲. گرایش زنان به شرکت در احزاب سیاسی به مراتب کمتر از مردان است؛ ۳. موفقیت زنانی که در عرصه سیاست ظهور می یابند بیشتر مرهون مردان سیاسی است که در کنار آنان بوده اند مانند سنت گرایی و محافظه کاری زنان؛ ۴. زنان از درگیر شدن در کارهایی که آمیخته به اضطراب و خشونت و... است دوری می جویند. (بشیریه، ۱۳۸۷، ص ۲۹۵)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

است (کمالی، ۱۳۷۸، ص ۱۳-۱۲).[۱] همچنین در زمینه عوامل اقتصادی می توان به نرخ صعودی بیکاری در میان زنان در دهه ۷۵ تا ۸۵ که بیشتر ناشی از رشد جمعیت در بعد از انقلاب است، اشاره کرد.

۲. «**موانع اجتماعی و فرهنگی**»: زنان و مردان در خلق الگوها و اشکال گوناگون فرهنگی هیچگونه تفاوت ذاتی ندارند (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴). بدین ترتیب برخی محدودیتها و موانع مهم مشارکت اجتماعی زنان را می توان چنین خلاصه کرد: الف: جامعه پذیری جنسیتی؛ دوم: غلبه فرهنگ دنیاگریزی و آخرت طلبی؛ سوم: ضعف آموزش و پایین بودن سطح عمومی تحصیلات (بیابانی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۶). به نظر دورژه «دسترسی زنان به مشاغل اقتصادی بیشتر باشد، دسترسی به قدرت سیاسی هم امکان پذیر تر است» (دوورژه، ۱۳۵۸، ص ۱۳۹).

۳. «**موانع سیاسی**»: دولتهای متمرکز همواره ساختارهای اداری متمرکز را تشویق می کنند، چنین ساختاری مانع عمده در برابر مشارکت مردمی است (بختیاری زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۹). آنتونی گیدنز مشارکت سیاسی را به مثابه یک حق سیاسی مورد توجه قرار می دهد (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۲۵۷). از این رو در مسیر توسعه، مشارکت سیاسی زنان یکی از عوامل مهم در تواناسازی آنان است (مصفا، ۱۳۷۳، ص ۳۷۵).

نتیجه گیری و جمعبندی

زنان نیز مانند مردان حق استفاده از تمامی عرصه های همگانی موجود در شهر را دارند، در حالی که بیشتر مواقع شرایط حاکم بر فضاهای عمومی شهرها، این حق را از آنان صلب می کند. شهر متعلق به تمامی شهروندان و ساکنینش است که با وجود آنها معنا گرفته و به سمت موفقیت پیش می رود؛ در این وادی نباید حضور زنان را نادیده انگاشت. پایداری اجتماعی شهر زمانی به تحقق می پیوندد که در زندگی شهری شهروندانش واجد ارزش و اهمیت باشد و زمانی که شهر قادر به تأمین نیازهای شهری شهروندان زن نباشد، در واقع نیمی از این ارزش را از دست خواهد داد. بسیاری از فضاهای شهری در شهرهای امروز ما بدون توجه به نیازهای جسمی و روحی زنان طراحی شده و به این دلیل تنها مورد استفاده مردان قرار گرفته است. نبود امنیتی که زنان در زندگی شهری روزانه خود خواهان آن هستند، اغلب فضاهای شهری را زن گریز کرده است. توجه به آنچه که زنان از محیط های عمومی و مسکونی خود می خواهند در اثبات جایگاه زن در شهر نقش بسزایی دارد. بنابراین، دخیل نمودن دیدگاه ها، نظرات و البته مهارت های بانوان در امر مدیریت شهری به منظور بهبود شرایط مردسالارانه حاکم بر شهر ها، باید در رأس طرح ها و برنامه های شهری قرار گیرد تا شهر به واسطه حس تعلق تمامی شهروندانش و نه تنها نیمی از انان، در شرایط پایداری از الگوهای رفتار شهری قرار گیرد. در رابطه با مفهوم فمنیسم و ارتباط فعلی آن با شرایط معاصر ایران و جهان باید اشاره کرد:

۱.فمینیسم، جنبشی سازمان یافته است که بر اساس مبانی فلسفی غرب پی‌ریزی شده و هدف آن رفع هر گونه ظلم و ستم به زنان و احقاق حقوق آنان در نظام اجتماعی است.

۲. فمینیسم از آن‌جا که فاقد ایدئولوژی و پشتوانه علمی مشخص است، متأثر از جهان‌بینی غرب، به طرح راه‌کارهایی مختلف که عمدتاً با مبانی وحیانی در تضاد است می‌پردازد. از این جهت، فمینیسم جریانی انسان مدار و اومانیستی است.

۳. فمینیسم در غرب به علت دوری از معنویت و اخلاق، دچار ناکامی شده است؛ چون به درستی هدایت و تئوریزه نشده است. اکنون شاهد بالاترین رکورد خشونت و تحقیر علیه زنان در غرب هستیم. اهانت، استثمار اقتصادی، عریان ساختن و ابزاری کردن جنس مونث شواهدی هستند که هویت فمینیسم را زیر سؤال می‌برند.

۴. ظلم و تحقیر تمدن‌های کهن غربی، خشونت و کژاندیشی اربابان کلیسا، تفکرات الحادیِ انسان مدار و نظام سرمایه داری، از جمله عواملی هستند که سب خیزش زنان و ایجاد نهضت فمینیسم شد.

۵. علل تنوع گرایشات فمینیستی را بایستی در وابستگی آنها به اندیشه‌های سیاسی و فلسفی غرب بدانیم. هر گرایش فمینیستی طبق همان اندیشه وابسته، به تحلیل مسائل زنان می‌پردازد.

۶ در مرحله ایده و آرمان، تمام نحله‌های فمینیستی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۴. مقایسه مبانی نظری و پیشینه تحقیق با اقدامات و عملکرد شهرداری تهران؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گزارش مرکز امور بانوان شهرداری تهران؛ ۱۳۹۲-۱۳۹۱

مولفه های مورد نظر	اقدامات شـهرداری تهران در راسـتای ارتقاء جایگاه مشـارکت پذیری زنـان در اداره امور شـهری و منجمله سـطوح مدیریتی در کلانشـهر تهران
عـدم دسترسـی زنـان بـه تخصص هـای بالا	تعییـن مشـاوران امـور بانـوان در سـازمانها، شـرکتها و واحدهـای تابعه شـهرداری؛ انتصاب مشـاور شـهردار در امور بانوان؛ تشـکیل اداره کل امور بانوان؛ تشـکیل اداره امـور بانـوان در مناطق ۲۲ گانه شـهرداری تهـران؛ تعیین نمایندگان امـور بانوان در تمامـی واحدهای تابعه شـهرداری
مردسـالاری در فرهنگ سـازمانی و همچنیـن نگـرش مدیـران مـرد در وزارتخانـه هـای مسـتقر در تهران	انتصـاب مشـاور شـهردار در امـور بانـوان؛ تعییـن نمایندگان امـور بانـوان در تمامی واحدهـای تابعـه شـهرداری؛ تعییـن مشـاوران امـور بانوان در سـازمانها، شـرکتها و واحدهـای تابعـه شـهرداری؛ انتصاب مشـاور شـهرداران مناطق ۲۲ گانه شـهرداری تهـران در امـور بانوان
سیاسـت های منابع انسـانی، قوانین و مقـررات رویه هـا و روش ها	تشـکیل اداره کل امـور بانـوان؛ تشـکیل اداره امـور بانـوان در مناطـق ۲۲ گانـه شـهرداری تهـران؛ انتصـاب مشـاور شـهرداران مناطـق ۲۲ گانه شـهرداری تهران در امـور بانـوان؛ تشـکیل شـورای راهبـردی امـور بانـوان و کمیته هـای تخصصی؛ اقدامـات صـورت گرفتـه در زمینـه تغییـر سیاسـتهای منابـع انسـانی شـهرداری در حـوزه امـکان دهـی بـه زنـان در حـوزه سـطوح مدیریتـی در شـهرداری تهران
شـرایط احـراز مشـاغل مدیریتـی، در اقلیـت بـودن زنان، سـبک های مدیریتـی، موانـع ارتباطـی	انتصـاب مشـاور شـهرداران مناطـق ۲۲ گانـه شـهرداری تهـران در امـور بانـوان؛ انتصاب مشـاور شـهردار در امور بانوان؛ تشـکیل ستاد توانمندسـازی زنان سرپرست خانوار
تغییـر نگـرش مـردان نسـبت بـه مدیریـت زنـان	تشـکیل سـتاد توانمندسـازی زنان سرپرسـت خانوار؛ تشکیل شـورای راهبردی امور بانـوان و کمیتـه های تخصصی
وجـود روحیـه مسـئولیت پذیـری مشـورت و همفکـری در خانـواده، نقـش زن در تصمیـم گیریهـای خانـواده	طـرح مداخلـه در بحـران خانـواده در کلانشـهر تهـران زیـر نظـر اداره امـور بانوان شـهرداری تهـران؛ طـرح پیشـگیری از آسـیب هـای اجتماعـی، طـرح کاهـش خطرپذیـری؛ تشـکیل سـتاد توانمندسـازی زنان سرپرسـت خانوار؛ اجـرای طرح نذر فرهنگـی در سـطوح محلـی کلانشـهر تهران
جـو و فضـای سـازمانی، و عوامـل فرهنگـی	انتصاب مشـاور شـهردار در امور بانوان؛ انتصاب مشـاور شـهرداران مناطق ۲۲ گانه شـهرداری تهـران در امـور بانوان؛ تشـکیل شـورای راهبـردی امور بانـوان و کمیته هـای تخصصی
جـو و فضـای سـازمانی، و عوامـل فرهنگـی	تشـکیل و راه انـدازی خانـه هـای تسـنیم در سـطح محـلات؛ ایجـاد کانـون های بانـوان و شناسـایی و جلب مشـارکت ذینفعان محلی، سـازمان هـای اجتماع محور و گـروه هـای همیاری اجتماعـی بانوان محـلات؛ برگزاری مجموعه نشسـت های حجـاب و عفـاف در مناطـق ۲۲ گانـه، طـرح گوهـر رحمـت (آموزش مهـارت های زندگـی، بـه خصـوص مهارت هـای پیـش از ازدواج به دختـران)، برگـزاری ۴ دوره همایـش احیاگـران نور (ویژه بانوان مبلغ شـهر تهران)، برگـزاری ۵ دوره گردهمایی زنـان عاشـورایی (ویـژه هیات مذهبی بانوان شـهر تهـران)، برگزاری ۵ دوره جشـن عبودیـت دختران ۹ سـاله، برگزاری مراسـم و مناسـبت هـای ویژه بانـوان (روز زن، روز دختـران، روز ملـی حجـاب و عفاف)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

ضعف آموزش و پایین بودن سطح عمومی تحصیلات	ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های شهربانو و پارک های بانوان، تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان، طراحی، راه اندازی و بروزرسانی سایت اداره کل امور بانوان، و سایت همراز یاس ویژه زنان شهیده، جانباز و ایثارگر، طراحی و راه اندازی سامانه بانک اطلاعات بانوان؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ تشکیل و راه اندازی خانه های تسنیم در سطح محلات؛ ایجاد کانون های بانوان و شناسایی و جلب مشارکت ذینفعان محلی، سازمان های اجتماع محور و گروه های همیاری اجتماعی بانوان محلات؛ طرح نذر فرهنگی در کلانشهر تهران زیر نظر اداره فرهنگی امور بانوان شهرداری تهران
ارتقاء مشارکت سیاسی زنان و توانا‌سازی آنان در سطوح اراده و انگیزش به احراز و پذیرش پستهای مدیریتی	طرح ظرفیت سازی اجتماعی بانوان، تهیه نیمرخ استعدادهای بانوان محلات، تشکیل گروه های همیاری اجتماعی، جلب مشارکت ذینفعان محلی، برگزاری کارگاه های آموزشی، طراحی و تسهیلگری پروژه های کوچک محلی در زمینه ارتقاء ظرفیت های بانوان؛ تشکیل اداره کل امور بانوان؛ تشکیل اداره امور بانوان در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران؛ تعیین نمایندگان امور بانوان در تمامی واحدهای تابعه شهرداری؛ تعیین مشاوران امور بانوان در سازمان ها، شرکت ها و واحدهای تابعه شهرداری؛ راه اندازی خانه های تسنیم، استقرار مدیریت امور بانوان در محلات، هماهنگی و هم افزایی ابتکارات و توانمندی های بانوان و کانون های محلی محلات، حمایت و هدایت شبکه های اجتماعی بانوان محلات، هم افزایی با سایر خانه ها و کانون های محلی سراهای محلات، تشکیل کانون های ۹ گانه بانوان در محلات
نبود نفوذ زنان در گروه و سازمان اجتماعی	انتصاب مشاور شهردار در امور بانوان؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ انتصاب مشاور شهرداران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در امور بانوان
افزایش مهارت فردی زنان و ارایه دوره های آموزش مدیریت برای زنان و تجهیز آنان به مهارت های خاص مدیریتی	ایجاد کانون های بانوان و شناسایی و جلب مشارکت ذینفعان محلی، سازمان های اجتماع محور و گروه های همیاری اجتماعی بانوان محلات؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ تشکیل و راه اندازی خانه های تسنیم در سطح محلات؛ برگزاری جشنواره سراسری خوشنویسی کوثر، برگزاری کارگاه های آموزشی و جشنواره و نمایشگاه، جشنواره سراسری بهترین ها از دوریختنی ها، برگزاری کارگاه های جشنواره سراسری عکس زنان و زندگی شهری، شرکت ۱۶۵۰ هنرمند عکاس با ارائه آثار در جشنواره.

خواهان برابری زن در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی هستند و رفع سلطه جویی جنسی، مبارزه با مردسالاری، پایان بخشیدن به تبعیض و خشونت علیه زنان را از اهداف خود می‌دانند؛ اما بیش‌تر این اهداف تنها در حد یک ایده و ذهنیت باقی مانده و در عمل پیاده نشده است.

۷. فمینیسم اسلامی پدیده‌ای نو در جوامع اسلامی، به ویژه ایران، است که بر پایه سکولاریسم و تجدد گرایی بنا شده و به تفسیر و تأویل آموزه‌های دینی و تطبیق آن با فرهنگ غرب پرداخته و سعی کرده است با ایجاد شبهه و طرح سؤال‌های واهی، بنیاد خانواده و اجتماع مسلمین را از بین ببرد.

۸. مهم‌ترین اهداف فمینیسم، تلاش برای رفع انواع تبعیض علیه زنان، کسب برابری حقوقی، تساوی زن و مرد، تشابه در حقوق، برابری جنسی و به رسمیت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شـناختن همجنس‌گرایـی و سـقط جنین می‌باشـد. بسـیاری از خواسـته‌های آنـان بـا مبانی اسـلام و ادیان الهـی دیگر در تضـاد اسـت و حاصلـی جز نابـودی خانـواده و اجتمـاع ندارد.

۹. فمینیسـم بعلـت فقـدان ایدئولـوژی و مکانیسـم مناسـب بـرای موضوع‌شناسـی مسـائل زنـان و از آنجا که بـا وضعیت مذهبی، فرهنگی و اجتنمای جوامع اسـلامی ناسـازگار اسـت هرگـز نمی‌توانـد پاسـخگوی نیازهای زن مسـلمان باشـد.

۱۰. اسـلام از نظـر محتـوا و اصـول آن‌چنان غنـی، محکم و مسـتدل اسـت که بـرای حفظ و صیانت زن دفـاع از کرامت و شـرافت و حقـوق او، نیـازی به فمینیسـم نمی‌بیند.

۱۱. فمینیسـم از لحـاظ جهان‌بینـی، هرگـز قابـل قیـاس بـا اسـلام نیسـت. اسـلام و فمینیسـم دو مقولـه کامـلاً جـدا از هـم، بـا مبانـی مختلـف ایدئولوژیکـی، اهـداف، کارکردهـا و آرمان‌هـای متفاوتنـد و هیـچ‌گاه بـا هـم تلفیـق نمی‌شـوند و مولـودی به نام فمینیسـم اسـلامی را به وجـود نخواهند آورد.

در رابطـه بـا راهکارهـای عـدم جنسـیت‌زدگی فضایـی می‌تـوان بـه مـوارد زیـر اشـاره کـرد:

۱. «نظـارت و کنتـرل اجتماعـی»: افزایش نظـارت اجتماعی و مدیریـت مناسـب عملکردهـای موجـود در فضـا، می‌تواند بـه تعدیل شـرایط حاضـر کمک کنـد و امکان اسـتفاده از آن توسـط زنـان را نیـز فراهـم آورد. حضـور زنـان در این عرصه همگانـی بـه نوبـه خـود می‌تواند بـر امنیت روانی و سـلامت الگوهـای رفتاری تأثیرگذار باشـد.

۲. «بهینه سـازی کاربریهـای شـهری»: عامـل دیگـری کـه می‌توانـد بـه تک‌جنسـیتی شـدن یـک فضـای شـهری بیانجامـد، کاربری‌هـا، فعالیـت هـا و عملکردهـای موجود در آن فضـا اسـت. در صورتی که تمامی فعالیـت های موجود در یـک عرصه شـهری، تنها مـورد اسـتفاده مردان باشـد، دیگر بهانـه‌ای بـرای حضـور زنـان در آن محیـط وجـود نخواهـد داشـت. در فرهنـگ مـا، چایخانـه ها، گیـم نت ها، فروشـگاه های ابزار آلات بیشـتر توسـط مـردان مورد اسـتفاده قرار می گیـرد. ترکیـب فعالیـت هـا و خـرده فضاهـای زنانـه بـا ایـن ریزفعالیتهـا، می‌توانـد بـه راحتی زمینـه را برای حضـور زنان محیـا کرده و از تک‌جنسـیتی شـدن فضا جلوگیـری به عمل آورد.

۳. «بی‌زمانگـی جنسـیتی»: از مسـائلی کـه امـروز در علـم شهرسـازی در کانون توجه قرارگرفته اسـت، بحث شـهرهای ۲۴ سـاعته اسـت کـه بـه منظـور رسـیدن بـه سـرزندگی و هیاهوی هـای مثبـت شـهری مطـرح می‌شـود. از مهم‌ترین راهبردهـا بـرای نیـل به ایـن هدف، فراهـم آوردن شـرایطی اسـت کـه شـهر در شـب را بـرای پذیرابـودن تمامـی گـروه هـای سـنی زن و مـرد آمـاده کنـد. در شـرایط فعلـی، زنـان از شـب های شـهر فـراری هسـتند. گاهـی تنها یـک تجربه بـد از فضـای شـهری برای نهادینـه کردن تـرس و اضطراب بـرای حضـور دوبـاره در آن فضـا کافی اسـت. تصـور حضور در شـب هـای شـهر بـرای اغلـب زنان اسـترس آور اسـت و بـه محـض مواجه شـدن بـا این حادثـه، به فکـر فـرار از این شـرایط اسـترس زا مـی افتنـد. مشـکل زمانی دو چنـدان می شـود کـه مسـائل مربوط بـه حمل و نقـل شـبانه وارد صحنه مـی شـود. نبـود سیسـتم مدیریتی حمـل و نقـل همگانی در شـب و حضـور سـواری هـای شـخصی کـه بـه دنبـال پـر کـردن جـای خالـی ایـن ضـرورت هسـتند! از مواردی اسـت کـه مزیـد بـر علـت شـده و بـه واسـطه جمـع بـودن تمامی شـرایط لازم بـرای شـب گریز کـردن زنـان از شـهر، زنان به محـض تاریکـی هـوا، روانـه خانه هـای خـود می شـوند. این در حالـی اسـت که تجربه شـب های شـهر، تجربـه ای کاملاً متفـاوت اسـت و در صـورت فراهـم بـودن شـرایط آسـایش روانـی- ادراکـی می‌توانـد بسـیار لذت‌بخـش باشـد.

۴. «زنانگـیِ اعتمـاد بـه نفـس»: منشـاء اعتماد بـه نفس، در بهـا دادن بـه افراد اسـت. زمانی که فرد از بیشـتر عرصه های عمومـی کـه بهـره بـردن از آنهـا، طبیعی‌ترین حق شـهروند بودنـش اسـت محـروم می شـود، اعتمـاد بـه نفس خـود را از دسـت داده و همـواره حقـوق خـود را متعلـق به دیگـران می دانـد. بـا توجه بـه جایـگاه زن در خانـواده و تربیـت فرزندان، بـه جـرأت مـی تـوان گفـت زمانـی مـی تـوان بـه داشـتن شـهروندانی سـالم امید داشـت، که زنان آن شـهر از سـلامت جسـمانی و روانـی کامـل برخـوردار باشـند و ایـن موضوع در گـرو تقویـت جایگاه شـهروند زن در جامعه شـهری اسـت.

۵. «زنانگـیِ طراحـی فضاهـای شـهری»: ایـن جایـگاه بـه قـدری در جوامـع شـهری ما نادیده انگاشـته شـده اسـت که بیشـتر مـردان، خـود را مالکیـن اصلـی خیابان هـا، میادیـن و سـایر عرصـه هـای عمومـی شـهر می‌داننـد و اسـتفاده از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

پارک ها و فضاهای باز برای زنان اغلب، کاری خلاف عرف تلقی می شود. این مشکلی است که برای دختران جوان در شهرهای کوچک جلوه پررنگ تری دارد و کلید حل این مشکل در وهله نخست، در دست مدیران شهری و شهرسازان است. اختصاص خرده فضاهایی در دل عرصه های همگانی که برای استفاده زنان در بیشتر ساعات روز مناسب باشد، راهبردی مناسب برای دستیابی به این مهم است.

منابع و ماخذ

ماجدی و دیگران (۱۳۹۴) شناسایی شاخصهای موثر بر مشارکت زنان در طرح های توسعه شهری، باغ نظر، شماره ۳۲.

افشاری، زهرا و ابراهیم شیبانی (۱۳۸۰) «تجزیه جنسیتی بازار کار ایران»، پژوهش زنان، شماره ۱.

بابایی زکلیلی، محمد علی (۱۳۸۵) چالش های زنان برای ارتقاء به مشاغل دولتی، فصلنامه مدرس علوم انسانی ویژه مدیریت.

البرزی، شهلا و خیر، محمد، (۱۳۸۷) راهکارهای اجرایی حضور زنان در برنامه ریزی های کلان کشور از دیدگاه زنان توانمند دانشگاهی، مجله پژوهش زنان شماره ۱.

بشیریه، حسین (۱۳۸۷) جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.

بیابانی، جهانگیر (۱۳۸۵) کار زنان و پدیده بیکاری ساختاری در کشور، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۱ و ۲۳۲.

بیرو، آلن (۱۳۶۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

دوورژه، موریس (۱۳۵۸) جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابولفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۲) ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی ایران، مجله دانش مدیریت شماره ۶۲.

کمالی، افسانه (۱۳۸۰) «رهیافت مشارکت زنان در توسعه: پیش شرط ها و موانع»، فصلنامه پژوهش زنان، تهران، دوره ۱، شماره ۱.

مدیری، آتوسا (۱۳۸۵) جرم خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲.

مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰) بررسی آمار وضعیت زنان بر مبنای رویکرد توسعه انسانی، معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکتها.

مصفا، نسرین (۱۳۷۳) نقش مشارکت سیاسی در توانا سازی زنان، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳.

موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۱) مشارکت زنان در گفتگوی تمدنها، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۲.

مهدیزاده، جواد (۱۳۸۷) درآمدی بر نظریه های شهر و جنسیت در جستجوی شهرهای انسانی تر، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵، ۱۳۸۷

نادعلی، لیلا (۱۳۸۵) مدیریت زنان، مجله مدیریت شماره ۱۱۶.

اندرو هی وود (۱۳۷۹) درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه محمدرفیعی مهرآبادی، تهران، وزارت امورخارجه، ۱۳۷۹، ص ۴۰۹.

آیت الهی، زهرا (۱۳۸۱) زن و خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران.

بامداد، شیدا، (۱۳۷۶) بررسی عوامل مؤثر بر میزان های اشتغال زنان در ۲۵۲ شهرستان کشور - سال ۱۳۷۵، مجموعه مباحث و مقالات همایش تدوین برنامه سوم توسعه کشور، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

حسینی، زهرا (۱۳۸۱) ضرورت و محدودیتهای اشتغال زنان، نشرجامعه، تهران.

حکیم پور، محمد (۱۳۸۳) حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، انتشارات نقمه نوازش، ایران چاپ، تهران.

خواجه‌نوری، بیژن، عبدالعلی لهسایی زاده و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۴) بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی، مطالعه موردی استان فارس، مجله‌ی جامعه شناسی ایران، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۳، ص.۱۲۴-۱۴۵.

دعایی، حبیب الله و مردانه، کریم (۱۳۷۷) بهسازی منابع انسانی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد.

رابینز، استیفن (۱۳۷۴) مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه اعرابی و پارسائیان، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران.

سفیری، خدیجه (۱۳۷۷) جامعه شناسی اشتغال زنان، تبیان.

سعید زاده، سید محسن (۱۳۷۴) مشاغل زنان، پیام زن،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شماره ۳۸۳.
شادی طلب، ژاله و علیرضا گرائی نژاد (۱۳۸۳) فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره۱، تهران، صص ۴۹-۷۰.
طالبیان، احمدرضا و وفایی، فاطمه (۱۳۸۵) الگوی جامع توانمندسازی منابع انسانی، مجله تدبیر، تهران.
فتاحی زاده ، فتیحه (۱۳۸۳) زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، قم.
فرخی، طاهره (۱۳۸۱) نقش زنان در توسعه پایدار و تواناسازی زنان، ماهنامه تعاون، دوره جدید، ش ۷۴، ص ۷۶-۷۹.
فروزان، ستاره و اکبر بیگلریان (۱۳۸۲) زنان سرپرست خانوار: فرصتها و چالشها، فصلنامه پژوهش زنان،دوره ۱، شماره ۵، تهران، صص ۳۵-۸۲.
فروزان، ستاره (۱۳۷۹) طرح بررسی شاخص های فقر انسانی در زنان سرپرست خانوار خدمت گیرنده از سازمان بهزیستی کشور، سازمان بهزیستی کشور، تهران.
قدیر، محسن(۱۳۸۰) اشتغال زن از منظر غرب و اسلام، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسایل و مشکلات زنان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران.
کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی(۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، سال۳ ، شماره ۷، تهران، صص۵-۳۰.
لانگه، سارا (۱۳۷۲) معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، تهران، چاپ اول.
اندرو وینسنت (۱۳۷۸) ایدئولوژی های مدرن سیاسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۸ ص ۲۴۸ تا ص ۲۵۱.
پارسا، غفار (۱۳۸۷) زنان وفضای شهری، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۶۹۸، صص ۷.
پاملا ابوت و کلر والاس (۱۳۷۶) درآمدی بر جامعه شناسی (نگرش های فمنیستی)، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۷۶.
جان استوارت میل (۱۳۷۹) انقیاد زنان، ترجمه علاءالدین طباطبائی، تهران، هرمس، ۱۳۷۹. آندره میشل، پیکار با تبعیض جنسی، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نگاه، ۱۳۷۶.
رضا زاده، راضیه (۱۳۸۸) بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸، صص ۱۰۵-۱۱۴.
ضابطیان، الهام، رفیعیان، مجتبی (۱۳۸۷) درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵-۲۴، صص ۴۸-۵۵.
کاظمی، مهرنوش (۱۳۸۸) رویکرد تحلیلی به مقوله جنسیت و تأثیر آن بر کیفیت فضا، نشریه هویت شهر، شماره ۴، صص ۴۷- ۵۸.
مهدیزاده، جواد (۱۳۸۷) در جستجوی شهرهای انسانی تر، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵-۲۴، صص ۶-۱۹.
یان مکنزی و دیگران (۱۳۷۵) ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه م. قائد، نشر مرکز، ۱۳۷۵، مقاله «فمنیسم»، نوشته ویک ویلفورد.
Friedan. Betty. (1903). The Feminine Mystique. New York: Norton . Rosaldo. Michelle and Lousie Lomphere.eds. 1974. Woman Culture and Society. Stendord. Stranford University Press.
Mead. Margaret. (1928). Coming of Age in Somoa. New York: W. Morrow and Co.
Mead Margaret. (1950). Sex and Temperament. New York. New American Library.
Ortner. Sherry. (1914). Is Female to Maleas Nature is to Culture?In Anthropological Theory. Pp. 402- 413. Reprint in Anthropological Theory. John McGree and Richard Worms.eds . CA: Mayfield Publishing Company.
Ritzer. George (1988). Sociological Theory: 2nd.ed. New York: Alfred A. Knopf pub.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]